

چرا خطوط قرمز خامنه ای فقط درباره مذاکرات هسته ای نیست؟

منتشر شده در هافینگتون پست

آیت الله خامنه ای تنها چند روز مانده به پایان فرصت توافق هسته ای- در ۱۳۹۴/۰۴/۰۲- به تکمیل خطوط قرمزی که پیش از این برای توافق هسته ای تعیین کرده بود، پرداخت. خطوط قرمز او به شرح زیر است:

ایران در آینده به تولید ۲۰ هزار مگاوات برق هسته‌ای نیاز دارد. (نیاز ۱۹۰ هزار سوئی).

نفی محدودیت های بلند مدت ۱۰-۱۲ ساله : "محدودیت ده ساله را ما قبول نداریم؛ ما مقدار سال‌های معینی را که مورد قبول ما است به مجموعه‌ی هیئت مذاکره‌کننده گفته‌ایم که چه مقدار، محدودیت را قبول کرده‌ایم." تحقیق و توسعه و ساخت و ساز در دوران محدودیت پذیرفته شده باید ادامه یابد.

لغو کلیه تحریم ها: "بنده تصریح می کنم، تحریمهای اقتصادی و مالی و بانکی، چه آنچه به شورای امنیت ارتباط پیدا می کند، چه آنچه به کنگره‌ی آمریکا ارتباط پیدا می کند، چه آنچه به دولت آمریکا ارتباط پیدا می کند، همه باید فوراً در هنگام امضای موافقت‌نامه لغو بشود؛ بقیه‌ی تحریمها هم در فاصله‌های معقول" لغو شود.

منوط کردن لغو تحریم ها به اجرای تعهدات ایران (کاهش تعداد سانتریفیوژها، تغییر ساختار راکتور آب سنگین اراک، و...) **به طور مطلق** قابل قبول نیست. بلکه طرفین به طور همزمان اجرای تعهداتشان را باید آغاز کنند.

موکول کردن لغو تحریم ها به تأیید آژانس قابل قبول نیست. برای این که آژانس مستقل و عادل نیست و اطمینان یافتن آژانس متضمن معنای نامعقول چک کردن تک تک خانه ها و وجب وجب خاک ایران است.

بازرسی های فراتر از قوانین بین المللی قابل قبول نیست.

"پرسوجوی از شخصیت ها را هم به هیچ وجه قبول ندارم و موافق نیستم".

"بازرسی از مراکز نظامی را هم نمی پذیریم".

هیچ نوع تعهد بازگشت ناپذیری نباید قبول شود.

وبسایت آیت الله خامنه ای نیز در ۱۳۹۴/۴/۳ "اینفوگرافیک خطوط قرمز مذاکرات هسته ای" را منتشر کرده است.

معنا و هدف این خطوط قرمز چیست؟ چند احتمال در این رابطه قابل طرح است :

احتمال اول- عدم توافق هسته ای: اگر خامنه ای بر این "خطوط قرمز" اصرار بورزد، توافق هسته ای در کار نخواهد بود. واقعیت این است که دولت های غربی این خطوط قرمز را نمی پذیرند. دولت اوباما اکنون نیز به شدت تحت فشار شدید دولت اسرائیل، دولت های عربی به رهبری عربستان سعودی، نیروهای افراطی جنگ طلب آمریکا ، و... قرار دارد تا حتی به توافق لوزان تن ندهد و امتیازهای بیشتری از ایران بستاند.

خامنه ای بر این باور است که اگر مذاکرات به شکست بینجامد، دنیا آمریکا و دولت های غربی را عامل شکست مذاکرات به شمار خواهد آورد. برای این که در برابر تضمین عدم ساخت سلاح هسته ای از طریق پذیرش انواع محدودیت ها و نظارت ها از سوی ایران، آمریکا همچنان دست از زیاده خواهی و زورگویی بر نداشت و حتی حاضر به لغو تحریم ها نشد.

اما تعیین مسئول شکست مذاکرات، حلال و رافع مسائل و مشکلات عظیمی که موجودیت ایران و ایرانیان را تهدید می کند نیست. با شکست مذاکرات کنگره آمریکا به سرعت تحریم های جدیدی وضع خواهد کرد که ایران را از همین درآمدهای اندک موجود هم محروم می سازد. اگرچه افزایش تحریم ها به خودی خود ده ها میلیون انسان را با خطر نابودی مواجه خواهد کرد، اما همان طور که باراک اوباما دقایقی پس از توافق لوزان گفت، راه حل افزایش تحریم های اقتصادی نیز به ناچار به حمله نظامی به ایران منتهی خواهد شد. تجاوز نظامی ایران را به وضعیتی بدتر از سوریه تبدیل خواهد کرد و پیامدهای آن کل منطقه را در بر خواهد گرفت.

احتمال دوم- تقویت تیم مذاکره کننده و امتیازگیری بیشتر: احتمال دوم این است که اینها خطوط قرمز صد درصدی نبوده و نیستند. تعیین این خطوط قرمز و مصوبه مجلس با قصد افزایش توان چانه زنی تیم مذاکره کننده صورت گرفته و این امکان را به آنها می دهد که به طرف های غربی بگویند: اگر در برخی مطالبات و شرایط - خصوصاً لغو تحریم ها- تغییری ایجاد نکنید، آیت الله خامنه ای ، مجلس و دیگر نیروهای افراطی ایران زیر بار توافق نخواهند رفت. در این صورت جمهوری اسلامی به سوی غنی سازی بالای ۲۰ درصد و افزایش ذخایر غنی شده پیش خواهد رفت.

شاهدی که احتمال دوم را تأیید می کند، خط قرمز "توافق یک مرحله ای" آیت الله خامنه ای بود. توافق لوزان به گونه ای تفسیر شد که با خط قرمز یک مرحله ای وی سازگار شود. اینک نیز اگر توافق بدون امضایی به دست آید، و توافق نهایی امضا شده به بعد موکول شود، باز هم با تفسیر خواهند گفت که آن چه در نهایت به امضای طرفین خواهد رسید، همان توافق هسته ای یک مرحله ای است.

احتمال سوم- پیگیری اهداف چندگانه : آیت الله خامنه ای خواهان توافق هسته ای است. در همین سخنرانی مجدداً این اتهام را به صراحت نفی می کند که در ایران فرد یا گروهی مخالف توافق هسته ای باشند. می گوید:

"مسئولین جمهوری اسلامی - بنده، دولت، مجلس، قوه قضائیه، دستگاه های گوناگون امنیتی، نظامی، غیره - همه در این جهت متفقیم و موافقیم که توافق باید انجام بگیرد. در این جهت هم باز همه متفقند که

این توافق باید عزّتمندانه باشد، مصالح جمهوری اسلامی بدقّت و با وسواس باید در آن رعایت بشود؛ در این هم هیچ اختلافی نیست؛ دولت، مجلس، بنده، دیگران و دیگران همه در این جهت متّفقیم، نظرمان یکی است. توافق بایستی توافقی باشد منصفانه و منافع جمهوری اسلامی را بایستی تأمین بکند."

هدف از توافق را هم در همین سخنرانی به صراحت تمام بیان می کند: "هدف ما از این مذاکرات لغو تحریمها است؛ جدّاً دنبال این هستیم که این تحریمها لغو بشود".

روشن است که هرگونه توافقی **حداقل** به تعلیق رفته رفته تحریم ها منتهی خواهد شد. از این منظر، جمهوری اسلامی با اجرای تعهداتش، در عمل در کوتاه مدت به "**تعلیق مرحله ای تحریم ها**" و در بلند مدت به "**لغو مرحله ای تحریم ها**" دست خواهد یافت.

حسن روحانی، ظریف و تیم مذاکره کننده این هدف را محقق خواهند ساخت. اما دولت روحانی، دولت محلل خامنه ای است که مانند شوهر محلل فقط یک بار به کار می آید تا مسأله و مشکلی را حل و رفع کند.

دیگر اهداف خامنه ای

واقعیت این است که حسن روحانی و دولت او، رئیس جمهور و دولت مطلوب و مقبول آیت الله خامنه ای نیست. می گویند دل آقا از عملکرد فرهنگی و آموزشی دولت خون است. روزی نیست که قوه قضائیه و نیروی انتظامی مانع برگزاری نمایش یا کنسرتی نشوند. روزی نیست که مانع برگزاری سخنرانی ای نشوند و نیروهای لباس شخصی سپاه و بسیج خدمت سخنران متفاوت نرسند. کار از حمله به علی مطهری به اغتشاش در سخنرانی حسن روحانی در حرم آیت الله خمینی کشید. دو میهمانی ماه رمضان حسن روحانی برای اصول گرایان و غیر اصول گرایان و روحانیون نیز با کمترین اشاره ای به حصر موسوی و کروبی و رهنورد و ممنوع التصويری محمد خاتمی، با اعتراض شدید اصول گرایان مواجه شد. روزنامه سپاه پاسداران تحت عنوان "**حامیان فتنه در ضیافت افطار رئیس جمهور**" به شدت به حضور مدافعان رهبران جنبش سبز اعتراض کرد.

اگرچه وزاتخانه های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی؛ همانی نیستند که حسن روحانی می خواست و می خواهد، اما آن چیزی هم نیستند که خامنه ای و اصول گرایان می خواهند. اگر چه وضعیت دانشگاه ها اصلاً مطلوب نیست، ولی حسن روحانی با هر ترفندی که بود، دانشگاه ها را از شر بسیاری از روسای تعیین شده از سوی احمدی نژاد خلاص کرد. حسن روحانی قانون "حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر" - که پس از تصویب مجلس به تأیید شورای نگهبان رسیده بود- را **جهت اجرا ابلاغ نکرد و در نهایت رئیس مجلس- علی لاریجانی- آن را ابلاغ کرد.**

دو نگرانی عمده دیگر خامنه ای، انتخابات مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی در هفتم اسفند ماه سال جاری است. او و اصول گرایان سنتی و افراطی به شدت نگران آنند که اصلاح طلبان و اعتدالی ها- تحت رهبری نانوشته هاشمی رفسنجانی، محمد خاتمی، حسن روحانی، سید حسن خمینی و ناطق

نوری- با استفاده از برگ برنده توافق هسته ای، بهبود روابط با دولت های غربی و پیامدهای احتمالی مثبت توافق، اصول گرایان افراطی را از مجلس آینده برانند.

مقامات دولت جدید در جلسات خصوصی می گویند که احمدی نژاد هزینه کردن ۱۰ هزار میلیارد تومان از پول های چپاول شده برای انتخابات را آغاز کرده است. می گویند او ۵۰۰ تن را در سراسر کشور استخدام کرده و آنان فعالیت خود را آغاز کرده اند. در همین حال، سازمان حفاظت اطلاعات سپاه به افرادی چون محسن امین زاده، محسن میردامادی، فیض الله عرب سرخی، و... اخطار کرده که هرگونه فعالیت انتخاباتی آنان با پاسخ بازداشت روبرو خواهد شد.

از انتخابات مجلس مهمتر، انتخابات مجلس خبرگان رهبری است. خامنه ای می خواهد خبرگانی بسازد که تابع محض او باشند تا به راحتی بتواند جانشین خود را به تأیید آنان برساند.

از مدتها قبل اصول گرایان دائماً این ادعا را تکرار می کنند که دولت روحانی اولین دولت تک دوره ای است. چهار رئیس جمهور قبلی- سید علی خامنه ای، اکبر هاشمی رفسنجانی، سید محمد خاتمی، محمود احمدی نژاد- هر یک دو دوره رئیس جمهور بوده اند. اصول گرایان افراطی و نظامیان، در بهترین شرایط قصد دارند که در انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۹۶ به کار حسن روحانی پایان بخشند.

اما اگر توافق هسته ای محقق شود، توافقی که واجد خطوط قرمز خامنه ای نباشد، اما "شدیدترین تحریم های طول تاریخ" را رفته رفته به تعلیق در آورد یا لغو سازد؛ در این صورت آیت الله خامنه ای با بسیج نیروهایش و از طریق آنان خواهد گفت :

الف- دولت خطوط قرمز مقام معظم رهبری را زیر پا نهاد.

ب- توافق هسته ای مانند عهدنامه ترکمنچای با روسیه است. کما این که پیش از این توافق لوزان را ترکمنچای هسته ای خوانده اند (1 و 2 و 3).

پ- با توجه به این که دولت به نام ملت و نظام به این توافق تن داده، نمی توان آن را لغو کرد. لذا راهی جز اجرای توافق نداریم.

ت- حسن روحانی و ظریف به اعتماد نظام و مردم خیانت کرده و باید پاسخگو باشند.

با ادامه وضعیت کنونی، در پایان سال ۹۴ بحران های اقتصادی و مشکلات ناشی از آنها به اوج خود می رسند. نیروهای افراطی طرفدار خامنه ای گمان می کنند در چنین فضایی، شاید زودتر از خرداد ۹۶ بتوان از شر دولت روحانی خلاص شد. این منطق خامنه ای در استفاده ابزاری از نیروها برای رسیدن به مقاصد خویش است.

بنابراین، تعیین خطوط قرمز هسته ای توسط خامنه ای، برای به شکست رساندن توافق هسته ای نیست. برای آن است که پس از توافق از سودهای آن رهبری و اصول گرایان استفاده کنند و ترکمنچای آن را به

گردن روحانی و ظریف بیندازند. خواهند گفت: اگر دولت روحانی خطوط قرمز مقام معظم رهبری را در نظر می گرفت، ایران در چنبره ترکمنچای دیگری اسیر نمی شد. پس اینک نوبت خداحافظی با دولت محلل است.

منبع: [رادیو زمانه](#) ، ۰۶ تیر ۱۳۹۴